

## جریان شناسی تقابل با روحانیت در تاریخ معاصر ایران

با بررسی اجمالی تاریخ معاصر ایران این نکته آشکار می شود که نهاد روحانیت همواره با محوریت دفاع از عزت و شرف مسلمان ایرانی جریان ساز بوده و در برابر استبداد داخلی و خارجی قد علم نموده است.

محمد حسن شاهنگی

### چکیده

ایستادگی در برابر امتیاز رویتر، جریان نهضت تنباکو، قیام مشروطیت، نهضت ملی شدن صنعت نفت و در نهایت پیروزی شکوهمندانه انقلاب اسلامی نمونه هایی بر این مدعا هستند؛ نقش مهم روحانیت شیعه در ایران، دشمنان داخلی و خارجی را در جهت کم رنگ سازی آن به تکاپو واداشته و شگرد هایی چون تهمت زنی، ترور فکری و جسمی، تحقیر و تمسخر، مضر انگاری اقدامات، تهاجم به اصل اجتهاد و تقلید، اختلاف افکنی میان روحانیون، ترویج اسلام منهای روحانیت و... را پیش پای آنان نهاده تا نسبت به روحانیت روا دارند.

کلید واژگان: روحانیت، روحانیت ستیزی، دین، دین زدایی

### مقدمه

روحانیت در ایران جریانی پویا، بصیر و فعال است که به دلیل دغدغه ها و حساسیت های برخاسته از دین، اخلاق، فرهنگ و بنیاد انسانی در صفوف نخست نقش آفرینی در مقاطع و فراز های مهم تاریخی قرار داشته است. این کسوت کارکرد های فرا دینی بسیاری را به منصفه ظهور رسانده و عملکرد آن گواه روشنی بر نظریه «اسلام سیاسی» بوده و هست. ملزم سازی بیگانگان به تعهدات قانونی در حوادث و جریانات مختلف، ایستادگی در برابر قوانین ضد دینی و ضد ملی همانند «تغییر سلطنت»، «تغییر قانون اساسی» در زمان پهلوی اول، مخالفت با «لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی»، «انقلاب سفید» و «کاپیتولاسیون» در زمان پهلوی دوم از جمله افتخارات عینی و عملی روحانیت در خدمت به دین و مملکت بوده است. در این مجال به منظور ترسیم نگاه جریان شناسانه حرکت خزنده تقابل با روحانیت در تاریخ معاصر ایران، در ابتدا سیری کوتاه در جریان روحانیت ستیزی در ایران معاصر انجام خواهد شد و در ادامه به اصلی ترین دلایل تقابل با روحانیت اشاره می شود و در انتها نیز شگرد های تقابل با روحانیت مورد پردازش قرار می گیرد.

### سیری در جریان روحانیت ستیزی در ایران معاصر

روحانیون نقش کلیدی در به کار گرفتن اهرم هایی که به نهضت مشروطه انجامید، داشتند. تاریخ مشروطه آکنده از میدان داری و نقش آفرینی آنان در عرصه های گوناگون است. دشمن با درک این میدان داری از طریق شماری از روشنفکران، جریان روحانیت را به دو شعبه جدای از هم مشروطه خواه و مشروطه خواه تقسیم نمود و مشروطه خواهانی چون آخوند خراسانی، علامه نائینی، آیت الله طباطبایی و آیت الله بهبهانی و... را در برابر مشروطه خواهانی مانند شیخ فضل الله نوری، میرزا محمد حسن مجتهد تبریزی و... قرار داد و عملاً از کارایی این نهاد در جریان جنبش مشروطه کاست.

با ظهور رضا شاه و آغاز سلطنت دودمان پهلوی، قیام های مذهبی برای مدتی طولانی دچار وقفه شدند. مهمترین واقعه سیاسی- مذهبی در این دوره از تاریخ معاصر ایران، قیام مسجد گوهرشاد بود که در اعتراض به لباس متحدالشکل رضاخانی در سال ۱۳۱۴ به وقوع پیوست. این قیام با خشونت قوای دولتی و به توپ بستن مسجد خاتمه یافت و طی آن قریب دوهزار نفر کشته شدند و به شدید ترین شکل ممکن با روحانیون برخورد شد.

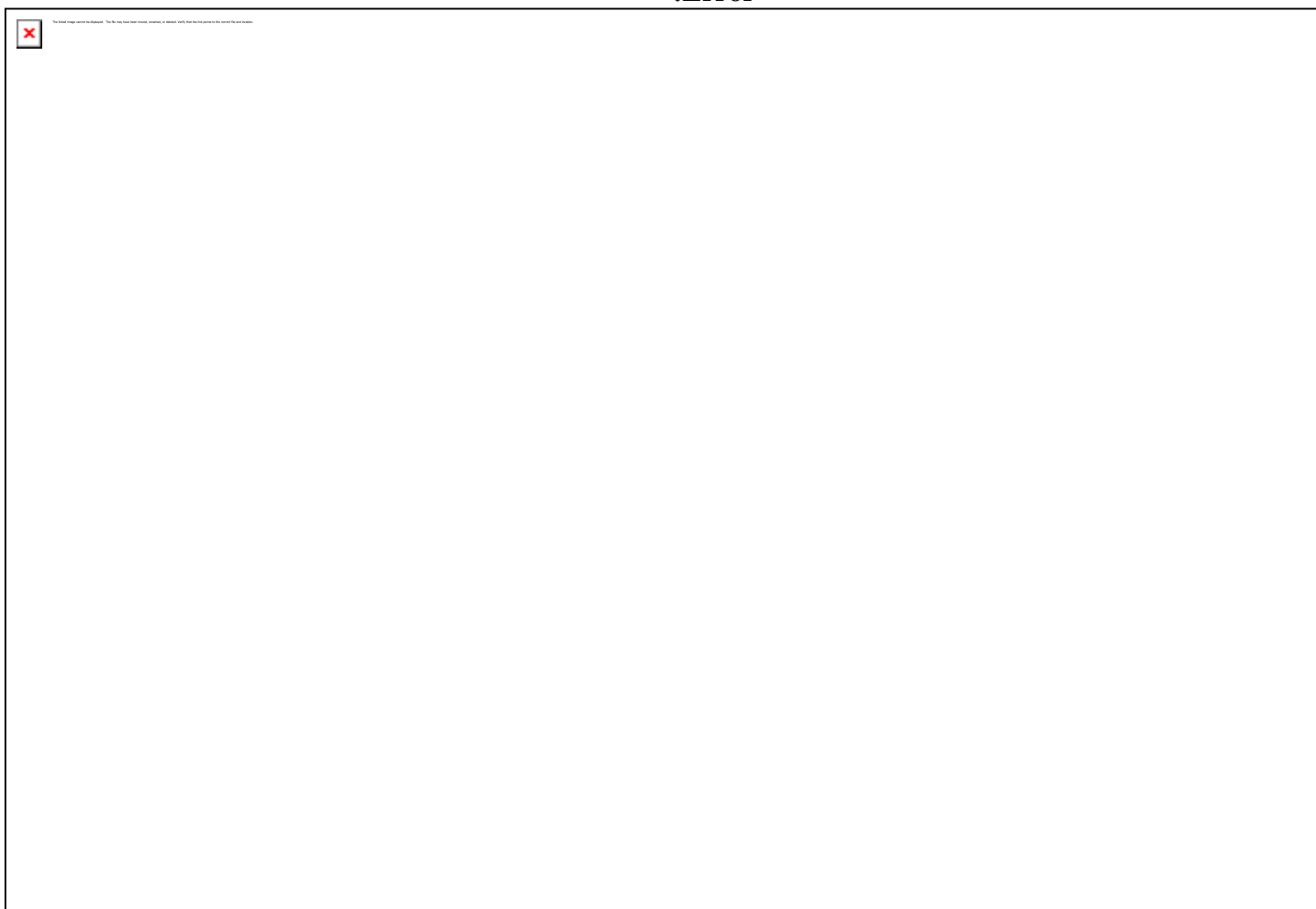
رضا شاه سیاست دوگانه ای در برابر جریان مذهبی جامعه و روحانیون اعمال نمود؛ وی در ابتدای جلوس بر مسند شاهی به نیرنگ متوسل شد و با پای پیاده همراه با دسته جات عزاداری حرکت می کرد، در مجالس و تکایا حاضر می شد و به روحانیون احترام می گذاشت و خود را مقید و پای بند به مذهب نشان می داد اما پس از قوام یافتن پادشاهی اش همه این رفتار ها را به کناری نهاد و حکم صریح قرآن مبنی بر وجوب حجاب و عفاف برای زنان را زیر پا گذاشت و به کمک جریان وابسته روشنفکری به فکر تغییر لباس ملی افتاد و به ایده لباس متحدالشکل رسید. وی مجالس و عطر را محدود کرد و لباس روحانیت را ممنوع و منوط به اخذ اجازه نمود. دلیل اصلی تقابل رضاخان با روحانیت را می توان مخالفت وی با اصل شریعت عنوان نمود که در قالب سخت گیری بر روحانیت تبلور می یافت. در همین ایام مرحوم سید حسن مدرس نسبت به استبداد رضاخانی اعتراض نمود و تاوان این امر را با پذیرش تبعید، شکنجه و در نهایت شهادت پرداخت.

هم زمان با ورود به دهه ۴۰ و اوج گیری مبارزات روحانیت، حکومت طاغوت به ایجاد شکاف میان روحانیون نگاه جدی معطوف داشت البته به دلیل زهد، برخورداری از تقوای الهی و دنیاگریزی روحانیون جز تعداد اندکی به دام نیفتادند اما در همین

دوران بود که برخی اعلامیه های هتاکانه علیه ساحت امام خمینی (ره) توسط برخی عناصر روحانی نما صادر گشت . در همین دهه بود که به مدارس علمیه و مساجد سراسر کشور حمله شد و ضرب و شتم طلاب و دستگیری آنها صورت گرفت. حمله ماموران محمد رضا شاه به مدرسه فیضیه در قم و مدرسه طالبیه در تبریز عده زیادی مصدوم بر جای گذاشت؛ جالب این که مصدومان این حوادث به غیر از طلاب افراد دیگری نبودند. شدت این حملات به گونه ای بود که آیت الله حکیم از مراجع بزرگ عراق در تلگرافی به علمای ایران هجرت آنان را خواستار شد. [۱] دستگیری آیت الله قمی در مشهد، آیت الله محلاتی در شیراز و آیت الله فلسفی در همین ایام رخ داد. [۲]

پس از انقلاب با روی کار آمدن دولت اصلاحات و توسعه فضای به اصطلاح باز سیاسی و فکری، موج جدیدی از پروژه تقابل با روحانیت از طریق رسوخ در لایه های خودی آغاز شد. در این دوران مبانی دینی، جایگاه مرجعیت و آموزه های مذهب تشیع در کنار مقام روحانیت به صورت توأمان هدف قرار گرفت. این تهاجم به صورت کاملاً هدفمندانه و حساب شده از سوی برخی روشنفکر مآبان مانند هاشم آجاجری و محسن کدیور انجام شد. در این دوران برخی چهره های به ظاهر روحانی نیز بی مهابا به مبانی دینی و نهاد روحانیت تاختند و سکولاریزم را تمجید نمودند و دم از اباحه گری در زندگی دینی زدند.

**!Error**



### دلایل تقابل با روحانیت

اصل جریان مقابله و مواجهه با روحانیون در ایران نیاز به اثبات ندارد رگه های این جریان در دهه های قبل از پیروزی انقلاب بر همگان آشکار بوده است. روحانیت به دلیل حضور فعالانه در عرصه های سیاسی و اجتماعی و تاثیر در سرنوشت ملی و هم چنین میزان نفوذ و ارتباط وسیع میان آحاد مردم دارای جایگاهی بلند در میان جامعه ایرانی بوده و به دلیل این مقام رسالت های

خاصی را پی گیری می نماید. این کسوت در وهله نخست ماموریت دارد تا از کیان اجتماع مسلمین دفاع نماید، کما این که امام خمینی (ره) اعتقاد داشت: «ما (روحانیت) از جانب خدای تعالی مامور حفظ ممالک اسلامی و استقلال آنها هستیم و ترک نصیحت و سکوت در مقابل خطر هایی را که برای اسلام و استقلال کشور پیش بینی می شود، جرم می دانیم و گناهی بزرگ» [۳] روحانیت رسالت دارد بر امور دینی مردم نظارت داشته باشد و بر «تربیت وجدان مذهبی» همت گمارد: «روحانیت نظارت خود را بر تربیت وجدان مذهبی مردم ادامه خواهد داد. به این ترتیب روحانی نوعی معلم است یا مربی.» [۴] نقش فرا صنفی روحانیت در طول تاریخ معاصر ایران در جریان سازی های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی باعث آن گردیده که نگاه دوست و دشمن نسبت به این صنف نگاهی جدی گردد و رویکردهای متفاوتی در این باره گرفته شود، گروهی را امیدوار و گروهی دیگر را به سد سازی و حتی مواجهه، مقابله و مبارزه در برابر فعالیت ها وادارد.

شاید بتوان یکی از دلایل تقابل جدی دشمنان با روحانیون را استقامت و پیش قراولی این قشر در راه دفاع از آرمان ها و اهداف دانست. امام خمینی (ره) در این باره می فرماید: «روحانیون همیشه پیشتاز و سپر بالای مردم بوده اند. بر بالای دار رفته اند و محرومیت چشیده اند. زندان ها و اسارت ها و تبعید ها دیده اند و بالاتر از همه آماج طعن ها و تهمت ها بوده اند و در شرایطی که بسیاری از روشنفکران در مبارزه با طاغوت به یاس و ناامیدی رسیده بودند، روح امید و حیات را به مردم بازگرداندند و از حیثیت و اعتبار واقعی مردم دفاع نمودند» [۵]

سیری در ادوار حکومتی ایران از این موضوع پرده بر می دارد که با وجود این که روحانیت در راس یا جریان اصلی حکومت نبوده اما با این حال بر دل های افراد جامعه مسلمان حاکمیت داشته و نفوذ عمیقی در بین مردمان داشته است این امر در بسیاری از موارد موجبات ناخشنودی حاکم و پادشاه را فراهم می آورده است دلیل رغبت عمومی به روحانیت به عقیده امام خمینی (ره) به این شرح است: «در ترویج روحانیت و فقاقت نه زور سرنیزه بوده است، نه سرمایه پول پرستان و ثروتمندان. بلکه هنر و صداقت و تعهد خود آنان بوده که مردم آنها را برگزیده اند.» [۶]

از جمله عوامل مخالفت دنیای غرب با روحانیت و فتنه انگیزی در برابر این قشر، ایستادگی روحانیت در برابر ایده جدایی دین از سیاست است. مرحوم مدرس در دوره رضاخان به نمایندگی از روحانیت ایران با صدایی رسا ابراز داشت: «سیاست ما عین دیانت ماست.» ریچارد نیکسون در تدوین دکترین خود پیرامون اوضاع جهان اسلام در دوره جدید می نویسد: «بنیاد گرایان اسلامی نفرت شدید از غرب و تصمیم به اعاده برتری تمدن اسلامی را از راه زنده کردن گذشته آن به حرکت در می آورند، قصد ایشان حاکم کردن شریعت است.» [۷] و یا اندیشمند غربی دیگری اعتراف می کند که «طرفداران خمینی سنت اسلام را یاد آوری می کنند تا اندیشه جدایی دین از سیاست را رد کنند.» [۸]

روحانیت به دلیل دارا بودن قدرت ایستادگی در برابر تهاجمات مغایر با ارزش های دینی و فرهنگی همواره نقش زعامت و رهبری خود را در تاریخ ایران ایفا نموده است. روحانیت تشیع به اعتبار دفاع از سنت ها، نوعی قدرت مقاوم در مقابل هجوم استعمار است که قدم اول غارتش، غارت سنتی و فرهنگی هر محل است. [۹] نقش رهبری روحانیت در قالب فتاوی جهاد علیه بیگانگان تیلور می یابد این فتاوی حامی استقلال سرزمینی، عزت خواهی مسلمانان و مبارزه با ظلم و فساد است. در این فتاوی وسعت دانش و بصیرت روحانیت نسبت به ابعاد مبارزه با دشمنان به چشم می آید. به عنوان نمونه اشغال ایران توسط انگلیسی ها، چهره هایی چون آیت الله سید عبد الحسین لاری، آیت الله شیخ جعفر محلاتی، آیت الله بلاذی بهبهانی و... را در عرصه صدور فتاوی جهاد به تکاپو وامی دارد. [۱۰] روحانیت در مقابل استعمار شوروی نیز صف آرایی نموده است در این خصوص می توان به ماجرای اولتیماتوم ۴۸ ساعته شوروی به ایران در زمینه اخراج فوری دو مستشار غیر روسی به نام های مورگان شوستر امریکایی و یالمارسن سوئدی در سال ۱۹۱۱ اشاره نمود. در این اولتیماتوم که آشکارا دخالت در امور داخلی ایران بود، نه تنها استقلال کشور و ملت را مورد تعرض قرار می داد بلکه دولت و حکومت را نیز به ذلت پذیری وا می داشت. در این واقعه افرادی چون آیت الله مدرس، آیت الله سید محمود طباطبایی، آیت الله سید نور الدین عراقی و آیت الله نور الله اصفهانی که همگی از روحانیون به نام دوران خود بودند ایستادگی نمودند و ملت و دولت را به عدم پذیرش این ننگ رهنمون ساختند. [۱۱]

## شگرد های تقابل

### ۱-تهمت زنی

از جمله تهمت های ناروایی که نثار روحانیت توسط قشر روشنفکر مآب می شود این است که روحانیت با منافع ملی سر سازگاری ندارد؛ این اتهام به بهانه اسلام خواهی روحانیت مطرح می گردد و این توضیح را دارد که از آنجا که روحانیت شیعه، حافظ اسلام و قرآن است و امت واحده اسلام را پیروان قرآن کریم دانسته، خود را ملزم به دفاع از آن می داند و به انترناسیونالیسم اسلامی معتقد است پس او به منافع ملی نمی اندیشد و آن را ضروری نمی بیند. برخی ستیزه گران ضد مذهب در این مسیر به افراط پرداخته و با دروغ پردازی، روحانیت را فدا کننده منافع ملی، وطن و ملت در راه وطن اسلامی جهانی معرفی می کنند.

[۱۲] چنین اتهامی از اساس بی ریشه است چراکه حتی در دوران مخوف حکومت مغولان روحانیت شیعه از پای ننشسته بلکه به تبلیغ آشکار دفاع از منافع ملی تا مرز شهادت پیش رفته است و فردی به نام «شیخ خلیفه» این مسئولیت را عهده دار بوده است. اندیشه های این روحانی در ادامه نهضت «سر به داران» را موجب می گردد. [۱۳]

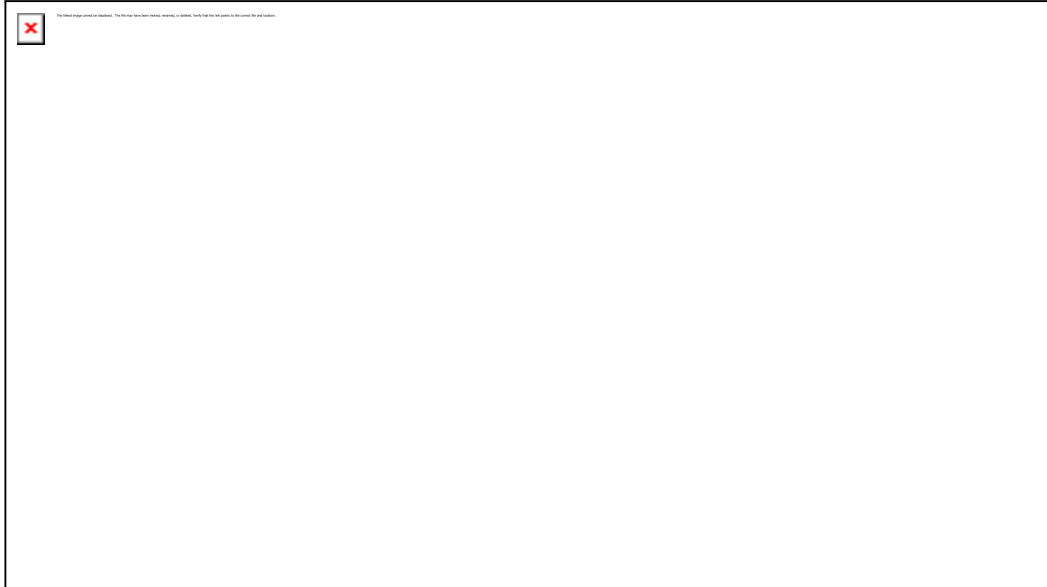
آیت الله کاشانی نیز با هدف حراست از منافع ملی قیام نمود، ایشان در اطلاعیه هایی که صادر می نمود کوشش برای ملی شدن صنعت نفت را «تکلیف دینی و وطنی ملت مسلمان ایران» بر می شمرد. [۱۴] هم چنین شهید مطهری (ره) در عین تمامیت از اسلام خواهی در پاسداری از فرهنگ ملی و دینی، کتابی با نام «خدمات متقابل ایران و اسلام» به رشته تحریر درآورده است وی در این کتاب به هر دو بعد ایران و اسلام توجه داشته است. حمایت های بی دریغ روحانیت و در راس آن حضرت امام از دفاع از خاک ایران در جریان جنگ تحمیلی نیز نمونه بارز دیگری در جهت خط بطلان کشیدن بر تهمت فوق می باشد. البته در این رهگذر اشاره به این نکته به جاست که از جمله شیوه های جریان های غیر مذهبی در رویارویی با روحانیت و سست کردن پایه های دینی مردم، تبلیغ از ناسیونالیسم و ملی گرایی است. ملی گرایی به تقلید از ناسیونالیسم غربی و در معنای نادرستی چون ملت گرایی و عشق به وطن در برابر اسلام گرایی به کار گرفته می شود و در زیر لوای آن احیای ایران باستان در دستور کار قرار می گیرد. به عنوان مثال در عصر مشروطیت، جریان روشنفکران با برانگیزاندن احساسات و هیجان های دروغین قومی و نژادی و احیای آداب و عادات زرتشتی و اصالت دادن به هویت ملی در برابر هویت دینی به رویارویی با اسلام و روحانیت پرداخت. هدف این جریان از این عمل، احیای تمدن مرده در برابر تمدن زنده، بالنده، شور انگیز اسلام بود. روشنفکران لائیک بناشان این بود که مردم را از هویت دینی جدا سازند و آنان را به هویت باستانی، پر از خرافه و آکنده از جهل پیوند بزنند تا به آسانی فرهنگ غرب را بعد ها بپذیرند.

## ۲- ترور فکری و جسمی

از جمله شیوه های مبارزه با روحانیت «ترور شخصیت» است. این عمل گاه به صورت حذف فیزیکی انجام می گیرد و گاه به صورت حذف اندیشگانی. در نوع دوم، وفاق طیف بزرگی از روشنفکر مآبان در جهت ایجاد موج منفی نسبت به فرد روحانی الزامی می نماید تا این خواسته شیطنانی، با دغل بازی ها و نیرنگ های رسانه ای و مطبوعاتی، «خواستہ عمومی» جلوه نماید. به عنوان نمونه مرحوم سید محمد مجاهد هدف ترور شخصیتی واقع شده است وی یکی از صادر کنندگان فتوای جهاد علیه اشغالگران روس بود که شخصا نیز لباس رزم بر تن کرد و به جبهه رفت. برخی عوامل مانند بی تدبیری در جنگ تلاش های وی را ناکام گذاشت و پس از پایان جنگ برخی جریان ها وی را عامل اصلی شکست ایران معرفی کردند و این موضوع را در بین مردم شایع کردند. نمونه دیگر در این خصوص شهید بزرگوار آیت الله دکتر بهشتی بود و در زمان حیاتش اتهامات نا به جایی مبنی بر گسست از ارزش های انقلاب اسلامی به وی زده شد تا جایی که امام خمینی (ره) پس از شهادت وی، ایشان را «شهید مظلوم» معرفی نمود.

## ۳- تحقیر و تمسخر

دشمنان در زمینه هنر و ادبیات نیز از تمامی ظرفیتهای نهایت استفاده را در مسیر روحانیت ستیزی برده اند. انتشار نشریات موهن، انواع و اقسام طرح ها، کاریکاتور ها، متن - تصویر ها، داستان ها و رمان ها، عکس ها، اشعار هجو آمیز، جک های تمسخر آمیز و ... گوشه ای از میدان نبرد با روحانیت است. به عنوان نمونه در عصر مشروطیت روزنامه «تنبیه»، عالمان دین و رواج دهندگان شریعت و بیدارگران مردم را به سخره می گرفت و چهره های کریه و زشتی از آنان را ا ارائه می داد و حتی آنها را به شکل حیوانات نشان می داد [۱۵]



#### ۴-مضمر انگاری اقدامات

جریان روشنفکر مآب جهت تخریب جایگاه روحانیت گاه اقدام به زیر سوال بردن اقدامات این طیف می نمود مثلا آنان را طبقاتی مضمر معرفی می نمود که نه تنها هیچ سودی برای جامعه ندارند بلکه مردم را به گمراهی می رسانند . به عنوان نمونه میرزا فتحعلی آخوند زاده- از طلایه داران مخالفت با روحانیت در دوران مشروطه - می نویسد: « علمای ما به جای این که ملت را از اعتقاد های پوچ برهانند ... به اعمال بی فایده و ناپسند ترغیبشان می کنند از آن جمله است بساط تعزیه و عزاداری بنای تعزیه را از روزگاری ، دیلمان به اقتضای پولیتکای خودشان رواج دادند . آن سبب ها از میان رفته اما به هر کجا که می روی تعزیه بر پاست. مگر مصیبت و درد خود آدم کم است که با نقل گزارش هزار ساله اوقات خود را دائما تلخ بکند و به جهت عمل بی فایده از کسب و کار باز بماند . از این تعزیه داری اصلا نه برای تو فایده است و نه به جهت امام .» [۱۶]

گاهی اوقات روحانیت متهم به علم ستیزی ، کج فهمی و بد بخت کننده مردم می شد مثلا آقاخان کرمانی - یکی دیگر از روشنفکر مآبان دوران مشروطیت - در این زمینه می نگارد : «از نقد همین قدر بگویم که با سوختن آثار علم و حکمت و فنون ، آتش به دانش آفاق زدند و به جای نوشته های بزرگ مهر حکیم و جاماسب بیدار دل و مزدک فرزانه ، اوراق به هم ریخته و بی سر و ته به دست مردم دادند که یک جمله آن را هیچ عجمی نمی فهمد . آیین پاک و روشن و شرف تابناک ایران را به اساس دروغ و بنیاد ظلم و دین موهوم و خدای مجهول و پیامبر امی تبدیل کردند .» [۱۷]

#### ۵-تهاجم به اصل اجتهاد و تقلید

یکی دیگر از راه های تخریب وجهه روحانیت شبیه افکنی در خصوص مقوله اجتهاد و تقلید در اسلام و متعاقب آن زیر سوال بردن جایگاه مرجعیت در شیعه است . این شگرد در مقاطع مختلف تاریخی مورد بهره برداری قرار می گرفته است به عنوان نمونه آخوندزاده با این که غرب و الگو های غربی و حکومت های روس و قفقاز را می ستاید و از مردم می خواهد که در همه کار ها پیرو و مقلد آنان باشند، از همان مردم ایران می خواهد از تقلید و پیروی از عالمان دین دست بردارند چراکه تقلید بازدارنده از آزادی است و رکود و ایستایی را در پی دارد . [۱۸] وی در آثارش هم به روحانیت و هم به اجتهاد ایراد می گرفت و درباره تقلید می نویسد : «ما دیگر از تقلید بی زار شده ایم . تقلید خانه ما را خراب کرده است . حالا در این صدد هستیم که قلاده تقلید را از گردن خودمان دور انداخته ، از ظلمانیت به نورانیت برسیم و آزاد و آزاده خیال باشیم .» [۱۹]

#### ۶-اختلاف افکنی میان روحانیون

یکی از پروژه های بزرگ دشمن در جریان پروسه روحانیت ستیزی منشعب از همان تز معروف انگلیسی «تفرقه بینداز و حکومت کن» می باشد . این پروژه با هدف ایجاد اختلاف بین روحانیون در اصل با نهاد روحانیت به مخالفت بر می خیزد . نهضت مشروطیت را می توان نقطه آغاز این پروژه قلمداد نمود جاییکه شیخ فضل الله نوری در اثر همین صف آرای در جبهه خودی بر سر دار می رود . انجمن های فراماسونری در تهران و دیگر شهر ها در دوران مشروطه بدان خاطر پا گرفت که ایادی و نیرو

های به ظاهر آزادی خواه، مردم دوست، وطن پرست، دلسوز و تلاشگر در راه آزادی و مساوات و روشنفکر خود را به کار گیرد تا تارو پود حرکت استقلال طلبانه و ضد استبدادی مشروطیت را از هم فرو گسلند و نهاد مقدس روحانیت را که رکن رکن این قیام بزرگ بود با افشاندن بذر پراکندگی در بین دارندگان آن از هم فرو پاشند. هانری رنه آلمانی در سفرنامه خویش می نویسد: «در شهر مشهد یک فراموشخانه تاسیس شده که اعضای آن می خواهند در صفوف ملاها شکافی ایجاد کنند و از قدرت و نفوذ آنها بکاهند.» [۲۰] امام خمینی (ره) در این باره اعتقاد داشت: «تاریخ یک درس عبرت است برای ما. شما وقتی تاریخ مشروطیت را بخوانید می بینید در مشروطه پس از آن که ابتدا پیش رفت، دست هایی آمد و تمام مردم ایران را به دو طبقه تقسیم کرد، نه تنها ایران، روحانیون بزرگ نجف را نیز، یک دسته طرفدار مشروطیت و یک دسته دشمن مشروطه. علمای خود ایران، یک دسته طرفدار مشروطه و یک دسته مخالف مشروطه.» [۲۱]

این ترفند و دسیسه شیطنی پس از انقلاب اسلامی نیز به ویژه در سال های اخیر از سوی گروهی از روشنفکر مآبان سکولار جریان دارد. شماری از اینان با سنگر گرفتن در پشت سر پاره ای از گروه ها و شماری از شخصیت های مذهبی تلاش دارند که خود را همراه آنان و مخالف بخشی دیگر از جریان مذهبی نشان دهند از باب نمونه شماری از آنان خود را طرفدار علامه نایینی و مخالف شیخ فضل الله و انمود کرده و با ترسیم چهره ای نادرست و خدشه دار و به دور از حقیقت از نایینی، ناسازگاری خود را با نظام اسلامی توجیه می کنند و یا شماری با طرح این پرسش که آیا اندیشه سیاسی شیعه درباره حکومت و دولت به یک نظر بستگی و تکیه دارد و یا به دیدگاه های گوناگون، در پاسخ همه تلاش خود را به کار گرفته اند که نظریه های گوناگون را از سوی فقیهان شیعه به تصویر بکشند تا ولایت فقیه را نظریه ای وانمود کنند که شماری اندک از عالمان شیعه برآندند. [۲۲]

در راستای اجرای همین پروژه بود که باند سید مهدی هاشمی (داماد آیت الله حسینعلی منتظری) به یک باره سر برآورد. ویژگی شاخص باند هاشمی حذف فیزیکی برخی طلاب و روحانیون به وسیله قتل آنها بود که پروژه را وارد فازی جدی می نمود. قتل آیت الله شمس آبادی از علمای بزرگ اصفهان در دهه ۵۰ از جمله جنایات باند مخوف هاشمی بود که در روال تقابل آمیز روحانیون کلید خورد. شخص آیت الله حسینعلی منتظری روحانی ساده لوحی که پس از انقلاب در مقطعی مسئولیت قائم مقام رهبری را بر عهده داشت از اقدامات هاشمی حمایت نمود و در برابر مواضع امام خمینی (ره) ایستاد و تقابل روحانیون را به بالاترین سطح خود رساند.

#### ۷- ترویج اسلام منهای روحانیت

در دهه ۵۰ ایده «ترویج اسلام منهای روحانیت» توسط برخی روشنفکر مآبان مطرح گردید. مطابق با این ایده فرد روحانی حتی اصلح جهت اقامه نماز هم نیست. امام امت در این باره بعد ها فرمود: «دشمن می گوید روحانی ها بروند و در مسجد نماز بخوانند. بسیار خوب! اما آیا شما می گذارید؟ در همان مسجد می روید یک عده اشرار هم می برید. یک نفر آدمی را که از اسلام هیچ اطلاعی ندارد، جلوی آن روحانی و می دارید. صورت نماز درست می کنید. برای این که مسجد را هم از روحانیت بگیرید.» [۲۳]

#### نتیجه گیری

روحانیت در ایران همواره در مسیر استقلال طلبی، دفاع از داشته های فرهنگی، استقامت در دین داری، مقابله با ظلم و بیداد داخلی و خارجی گام برداشته و مدافع جدی «ایران اسلامی» و «مسلمان ایرانی» بوده است. دشمنان این آب و خاک به دلیل عدم تحمل کارکرد های این قشر فداکار با ترفند های گوناگون در بسیاری از مقاطع و برهه های تاریخی سعی در مانع افکنی بر سر راه آنان نموده اند و به مدد روشنفکر مآبان داخلی چشم به کم رنگ سازی و محو نقش روحانیون دوخته اند آنها در این مسیر ابایی از ضرب و شتم، ترور فکری و جسمی، شکنجه، زندان، تبعید، تحقیر، تمسخر، تهمت زنی و... نداشته و به هر وسیله ممکن عداوت خود را با این قشر نشان داده اند. مقصد اصلی تخریب وجهه روحانیت بی تردید تخریب باور های دینی است که همچون کوهی در برابر تهاجمات فرهنگی دشمن بر توان ایستادگی مردم می افزاید. دلیل اصلی شکست توطئه های غرب در برابر روحانیت بی تردید بی ارتباط با مستقل اندیشی این قشر، وجود انگیزه های الهی، خالصانه و ایدئولوژیک در میان روحانیون نیست. وجود چنین ویژگی هایی سبب شده که مبلسان به کسوت روحانیت در طی طریق مقدس خود از هیچ قدرتی نهراسند و با امید به نصر الهی شجاعانه گام بردارند.

#### فهرست منابع

- صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۱، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، ۱۳۸۵  
صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۳، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، ۱۳۸۶  
صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۱۸، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، ۱۳۸۶

- صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۲۰، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، ۱۳۸۷
- صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۲۱، موسسه تنظیم و نشر آثار امام، تهران، ۱۳۸۷
- خدمت و خیانت روشنفکران، ج ۲، جلال آل احمد، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، تهران، ۱۳۷۵
- نهضت روحانیون ایران، علی دوانی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۹
- مدرس قهرمان آزادی، حسین مکی، بنگاه چاپ و نشر کتاب، تهران، ۱۳۷۱
- توفان خلیج، دلاژ الیویه و دیگران، ترجمه اسد الله مبشری، نشر اطلاعات، تهران، ۱۳۸۰
- روحانیت سنتیزی در تاریخ معاصر ایران، فاطمه رجبی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران، ۱۳۸۶
- فرصت را دریابیم، ریچارد نیکسون، ترجمه حسین وسفی نژاد، انتشارات طرح نو، تهران، ۱۳۸۱
- شیخ فضل الله نوری و مشروطیت، حسین کاظمی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۵
- اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده، علی میرزایی، بی نا، تهران، بی تا
- شیوه های تبلیغاتی جریان روشنفکری در نهضت مشروطه، محمد صادق مزینانی، نشریه پگاه حوزه، ش ۴۱۲
- تاریخ تهاجم فرهنگی غرب، نقش روشنفکران وابسته (آقا خان کرمانی)، ج ۶، احمد علیان، بی نا، تهران، ۱۳۶۷
- فراموش خانه و فراماسونری در ایران، اسماعیل رائین، ج ۲، نشر امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۵
- ۱ [نهضت روحانیون ایران، ص ۲۸۸]
- ۲ [ر.ک منبع پیشین، ص ۲۹۰]
- ۳ [صحیفه امام، جلد ۱، ص ۳۳۷]
- ۴ [خدمت و خیانت روشنفکران، ج ۲، ص ۲۹]
- ۵ [صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۹۷]
- ۶ [صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۷۶]
- ۷ [فرصت را دریابیم، ص ۲۴۵]
- ۸ [توفان خلیج، ص ۱۰۲]
- ۹ [منبع پیشین، ص ۴۵]
- ۱۰ [نهضت روحانیون ایران، ص ۲۷۲]
- ۱۱ [ر.ک مدرس قهرمان آزادی، ص ۱۱۲]
- ۱۲ [ر.ک روحانیت سنتیزی در تاریخ معاصر ایران، فاطمه رجبی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران، ۱۳۸۶، صص ۲۶ و ۲۷]
- ۱۳ [نهضت روحانیون ایران، ص ۲۰]
- ۱۴ [منبع پیشین، ص ۴۶۳]
- ۱۵ [شیخ فضل الله نوری و مشروطیت، ص ۱۹۸]
- ۱۶ [اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده، ص ۲۱۰]
- ۱۷ [تاریخ تهاجم فرهنگی غرب، نقش روشنفکران وابسته (آقا خان کرمانی)، ج ۶، ص ۸۰]
- ۱۸ [ر.ک شیوه های تبلیغاتی جریان روشنفکری در نهضت مشروطه، محمد صادق مزینانی، نشریه پگاه حوزه]
- ۱۹ [اندیشه های میرزا فتحعلی آخوندزاده، ص ۲۱۲]
- ۲۰ [فراموش خانه و فراماسونری در ایران، اسماعیل رائین، ج ۲، نشر امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۵، ص ۶۹]
- ۲۱ [صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۱۸، ص ۱۳۵]
- ۲۲ [ر.ک شیوه های تبلیغاتی جریان روشنفکری در نهضت مشروطه، محمد صادق مزینانی، نشریه پگاه حوزه]
- ۲۳ [صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۳۵۹]

منبع: پیشینه